

جواب است ای برادر این نه جنگ است

کلوخ انداز را پاداش سنگ است

(سعدی)

محمد حسینی

۱۸ سپتامبر ۲۰۰۶ برابر با ۲۷ شهریور ۱۳۸۵

گویا احمدی نژاد رئیس جمهور غیر قانونی و از فیلتر گذشته ولایت فقیه قرار است فردا، ۱۹ سپتامبر به عنوان رئیس جمهور ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد شرکت کند و شاید به ایراد سخنرانی نیز بپردازد. حضور او، و اینکه جهان غرب و سازمان ملل متحد وجود او را به عنوان نماینده منتخب، معتبر، و قانونی ملت بزرگ ایران می پذیرد تیری است به قلب یکایک ملتی که دکتر محمد مصدق نماینده منتخب و معتبر و قانونی خود را ۵۵ سال پیش در ۱۵ اکتبر ۱۹۵۱ (۲۲ مهرماه ۱۳۳۰) به همین مکان اعزام داشته بودند تا از حقوق پایمال شده شان دفاع کند. سابقه این امر را فرزند آن بزرگمرد (دکتر غلامحسین مصدق) که در این سفر همراه او بود در کتاب خاطرات خود چنین شرح می دهد:

روز پنجم مهر ماه ۱۳۳۰، وزارت امور خارجه انگلیس، طی اعلامیه ای تصمیم دولت ایران را در مورد اخراج کارکنان انگلیسی شرکت نفت از آبادان، به عنوان تخلف از قرار تأمین صادره از دیوان دادگستری بین المللی و در حکم توسل به زور و مغایر با اصول بین المللی اعلام کرد. در اعلامیه وزارت خارجه انگلیس گفته شده بود:

« . . . با وجود این که تصمیم دولت ایران، استفاده از قوای نظامی را برای حفظ منافع انگلیس موجه می سازد، مع هذا، دولت انگلیس برای حفظ قدرت سازمان ملل، از توسل به زور خودداری خواهد کرد . . . و در عین حال برای جلوگیری از فروش نفت ایران به دیگران، به هرگونه اقدام مقتضی مبادرت خواهد نمود . . . »

دولت انگلیس در همانروز، نامه ای به دبیرکل سازمان ملل فرستاد. در این نامه تقاضا شده بود: چون دولت ایران به قرار صادره از سوی دیوان بین المللی دادگستری توجه نکرده است، شورای امنیت موضوع را قبل از اخراج کارمندان انگلیسی، مورد بررسی قرار دهد و دولت ایران را ملزم به رعایت قرار موقت دیوان دادگستری نماید.

شورای امنیت سازمان ملل، شکایت انگلیس را در دستور کار خود قرار داد. سپس روز ۶ مهر، به دولت ایران اطلاع داد: هیئت نمایندگی ایران در جلسه شورای امنیت، که بنا به تقاضای ایران روز ۲۲ مهر تشکیل می شود حضور یابد. ناگفته نماند که دولت ایران روز ۱۱ مهر، باقیمانده کارکنان انگلیسی شرکت سابق را از آبادان اخراج کرده بود.

دکتر محمد مصدق صبح ۲۲ مهرماه در شورای امنیت پس از اقامه ادعای « سر گلاوین چپ » نماینده انگلیس

بر علیه ایران پشت تریبون قرار گرفت و چنین سخن آغاز کرد:

• آقای رئیس، آقایان اعضای محترم شورای امنیت امروز من در این شورا حاضر شده صدای مردم ایران را در مقابل ادعاهای بی اساس دولت انگلستان به گوش شما و مردم جهان می رسانم.

سپس با تلنگری هوشمندانه به وجدان و ضمیر باطن نمایندگان ملت های جهان طی چند جمله دقیق و حساب شده که در زیر می آید راه حمایت بی دلیل و سر تسلیم نهادن به کشورهای زورگو و پر نفوذ انگلیس و امریکا را مسدود می کند. او به آن ها می گوید:

• شورای امنیت برای این درست شده که ملل کوچک با کشورهای بزرگ دور هم بنشینند و در تحت مقررات منشور و به موجب اصول مندرجه، صلح دنیا و امنیت بین المللی را حفظ نمایند. این موسسه وقتی موفق خواهد شد که این هدف عالی را اجرا نماید که دول بزرگ به مقررات آن احترام بگذارند و کشورهای کوچک و بزرگ آن را پناهگاه خود بدانند.

دکتر محمد مصدق پس از گوشزد کردن وظیفه اصلی و مهم شورای امنیت، خواسته قانونی و بر حق ملت ایران را طی چند جمله ساده به شرح زیر خلاصه کرده و در ذهن نمایندگان ثبت می کند. وی ضمن اشاره به نام چند کشور از جمله هندوستان که استقلال خود را به تازگی باز یافته بودند چنین می گوید:

• ملت ایران نیز از کشورهای بزرگ و از یک موسسه بین المللی جز این انتظار ندارد تا آن را کمک کنند تا بتواند استقلال اقتصادی خود را به دست آورده و در سایه آن رفاه اجتماعی خود را تأمین و به این وسیله استقلال خویش را تقویت کند.

سپس چون خوب می داند که کشورهای زورگوئی مثل انگلیس و امریکا مطابق ذات و سرشت تجاوزگرانه خود بر سازمان ملل نیز دست اندازی خواهند کرد و سعی خواهند کرد که از چنین موسسه بین المللی نیز ابزاری برای پیشبرد اهداف امپریالیستی خود بر علیه منافع کشورهای ضعیف جهان بسازند پیشاپیش با شهامت و شجاعتی بی سابقه به نمایندگان شورای امنیت هشدار می دهد که وظیفه آن ها فقط حفظ صلح در جهان است نه کمک به کشور زورگوئی برای دخالت در امور داخلی کشوری مثل ایران. وی با نفوذ کلامی برخاسته از راستی و صداقت به نمایندگان چنین ابراز نمود که:

• اگر دولتی مسئله ای را که در صلاحیت شورای امنیت نمی باشد در این شورا مطرح کند و شورای امنیت بنا به دلایل و جهات سیاسی تصمیم بگیرد که به آن مسأله رسیدگی کند در این صورت شورای امنیت وسیله ای برای مداخله یک کشور در امور داخلی کشور دیگر خواهد شد و به این ترتیب اعتماد مردم از آن سلب خواهد گردید و شورای امنیت از انجام وظایفش که حفظ صلح جهان می باشد باز خواهد ماند.

دکتر محمد مصدق پس از آماده نمودن اذهان نمایندگان و بیدار کردن وجدان و به ثبت رسانیدن وظایف اصلی شورای امنیت در ضمیر پنهان حاضران اولین ضربه را برای نشان دادن میزان ظلم انگلیس به مردم ایران می گوید:

• . . . در سال ۱۹۴۸ بر طبق دفاتر شرکت سابق نفت ایران در آمد خالص شرکت در حدود شصت و یک میلیون لیره بوده که فقط نه میلیون لیره آن به ایران داده شده و هشت میلیون لیره آنهم بابت مالیات به خزانه داری انگلیس تحویل داده شده است. در اینجا باید اضافه کنم مردمی که در آبادان یعنی جایگاه معروف ترین تصفیه خانه نفت جهان زندگی می کنند با فقر و

پیشانی بی حد و حساب دست به گریبان هستند و حتی از ضروریات اولیه زندگی نیز محروم می‌باشند. اگر بنا باشد که در آینده نیز مانند گذشته درآمد نفت ما را خارجیان ببرند، اگر قرار باشد که کارگران ایرانی در اراضی نفتخیز مسجد سلیمان، آغاچاری، کرمانشاه و تصفیه خانه آبادان در بدترین شرایطی به سر برند و استثماریان خارجی همچنان عملاً کلیه درآمد نفت را تصاحب کنند مردم ایران تا ابدالآباد در فقر و پیشانی خواهند ماند.

در جای دیگر دکتر مصدق انگلیس را به باد تمسخر گرفته و در رابطه با ملی شدن صنعت نفت که آن کشور به شورای امنیت بر علیه ایران شکایت برده است می‌گوید:

• اگر منظور انگلستان این است که ملی شدن صنعت نفت ما صلح را به خطر انداخته معلوم نیست که چرا دولت انگلیس که اینهمه صنایع خود را ملی کرده به عنوان این که اساس و پایه صلح را متزلزل نموده است به شورای امنیت دعوت نشده؟. این موضوع کاملاً شبیه دعوی گرگ و میش است!

متن کامل نطق نخست وزیر ایران قریب چهل صفحه است که خواندن آن را به علت مریضی و ضعف جسمانی گاه به اللهیار صالح محول می‌کرد. قسمت دیگری از این نطق به شرح زیر است:

• نماینده انگلیس از این که ما سیاست دولت او را امپریالیستی می‌خوانیم معترض است. ایران ترجیح می‌داد که در این خصوص سکوت کند به شرط این که آن‌ها باب این فصل را مفتوح نمی‌کردند. در هر حال نمی‌توانم قبل از این که در باره سیاست اقتصادی انگلیس در ایران جزئیاتی بگویم کتاب امپریالیسم انگلستان را ببندم.

• بحث ما از سال ۱۸۷۲ و امتیازنامه رویتر شروع می‌شود. در این موقع انگلستان اقداماتی انجام داد که ایران را از لحاظ اقتصادی تحت نفوذ خود درآورد.

• در سال ۱۹۰۱ امتیازی به یکی دیگر از اتباع انگلیس به نام ویلیام نوکس داری اعطا شد. در این امتیاز به وی اجازه داده شده بود که برای مدت ۶۰ سال در تمام نقاط ایران به غیر از ۵ ایالت شمالی به بهره برداری نفت مشغول شود.

آنچه در بالا به نظر هم میهنان رسید مشتاق بود نمونه خروار از آن دفاع جانانه در بیش از نیم قرن پیش که توسط آن بزرگمرد بی‌همتای ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد به جهانیان ارائه شد و ایران و ایرانی را صاحب شناسنامه و هویت افتخار آمیزی جدا از دیگر کشورهای مسلمان نشین منطقه نمود. اما در این روزها موج تازه‌ای از سوی مشروطه خواهان دروغین و چپ‌های وامانده و سرگردان در تلویزیون‌های ماهواره‌ای شرق و غرب آمریکا برای بیرون راندن خاطره و نام نیک مصدق از ذهن مردم و برداشتن مانع بزرگی از سر راه برای دستیابی به قدرت در ایران به راه افتاده است که به یک مورد در زیر اشاره می‌شود:

چندی پیش یکی از روزنامه نگاران و سرسپردگان مارک دار نظام آریامهری به نام محمد عاصمی در یک برنامه تلویزیونی در شهر لوس آنجلس مدعی شد که « دکتر محمد مصدق به علت خودخواهی، مصلحت ملی ایران را نادیده گرفت! ». او پس از تعریف و تمجیدهای اغراق آمیز در رابطه با مهره های بیگانه پرستی مانند علی دشتی و تقی زاده و مقایسه آن دو نوکر قسم خورده استعمار انگلیس با مرد فداکار و نیک نفس و مبارزی بنام دکتر محمد مصدق از سخنان خود چنین نتیجه گیری نمود که:

« . . . چنانچه دکتر محمد مصدق پیشنهادهای ۵۰ و ۶۰ درصدی سهم سود فروش نفت به انگلیس را قبول کرده بود نه کودتای ۲۸ مردادی پیش می آمد و نه انقلاب بهمن ماه ۵۷ و نه امروز ایران به روز سیاه نشسته بود! »

این روزنامه نگار معلوم الحال یا نمی داند و مصدق را نمی شناسد، یا اینکه می داند و می شناسد ولی برای خدمت به اربابان استعمارگر انگلیسی / امریکائی خود انجام وظیفه می کند زیرا هدف بزرگ و اصلی زنده یاد دکتر محمد مصدق فقط کوتاه کردن دست بیگانه از دخالت در امور داخلی ملت و کشور ایران بود. بر سر میزان درصد منافع مالی از نفت دکتر محمد مصدق توافق داشت. به راستی کدام عاقل و فرزانه و تاریخدانی است که نداند: ایران از قرن ۱۸ تاکنون زیر سلطه و دخالت های غیر قانونی سیاستمداران و شرکت های بزرگ نفتی انگلیسی و امریکائی اینچنین به روز سیاه گرفتار شده؟. کیست که نداند کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برای نابود کردن نهضت ملی ایران به رهبری دکتر محمد مصدق که شعار و هدفی به غیر از **استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی** برای ایران نداشت انجام شد؟

به نمونه ای از سخنان دکتر محمد مصدق در این باب که در شورای امنیت ایراد نمود در زیر نگاه می کنیم « تا سیه روی شود هر که در او غش باشد» و بخواهد ذهن مردم و جوانان ایران را از مبارزات بی امان ملت ایران به رهبری دکتر محمد مصدق در دوران زمامداری وی دور نموده و به بیغوله های استعماری انگلیس رهنمون سازد. جوانان ایران باید بدانند درد ایران از دیرباز « دخالت بیگانگان و امپریالیزم انگلیس / امریکا در امور داخلی ایران» بوده و امروز نیز به غیر از این نیست:

• **تنها اختلاف موجود بین کشور من و دولت انگلیس مربوط به عملیات مداخله آمیز انگلستان در امور داخلی کشور ایران است که البته این عمل با قوانین بین المللی مغایرت تام دارد. تأسیسات نفت ما به انگلستان مربوط نیست و اگر این منازعه خطری به صلح وارد می کند به هیچ وجه مربوط به تأسیسات نفت نیست بلکه رویه انگلیس است که سعی می کند با تهدید نظامی ما را از اجرای امور داخلی در کشورمان باز دارد.**

حضور فعال اسلام سیاسی در جهان امروز، و استیلاي حکومت جمهوری اسلام ناب محمدی بر ایران دست آورد سیاست های انگلیس و امریکا است. (رجوع کنید به مستندات و شواهد محکمی که نویسنده ارجمند آقای رابرت درایفوس

در کتاب خود به نام DEVIL'S GAME یا « بازی شیطان » آورده است. ترجمه قسمت اعظم این کتاب به وسیله مترجم و نویسنده محترم آقای فریدون گیلانی به اتمام رسیده و در سایت www.chebayadkard.com قابل دسترسی است که برای هم میهنان در درون ایران در صورت درخواست به وسیله ای میل فرستاده خواهد شد.

پاداش؛

- چنین روزنامه نگاران و ؛
- عموم کلوخ اندازان به مصدق و نهضت ملی ایران در روزها و ماه های قبل از کودتای ۲۸ مرداد و؛
- عموم سیاستمدارانی که امروزه در کشورهای غرب به ویژه در انگلیس و امریکا فریادشان از تروریسم اسلامی به آسمان هفتم بلند است و؛
- ما مردمی که از فردای کودتای ۲۸ مرداد دست روی دست گذاشتیم و دربار ننگین پهلوی را تحمل کردیم و راه مصدق را برای زنده نگاه داشتن نهضت ملی ایران به طرزی موثر و کارساز پیشه نکردیم و ؛
- رضا پهلوی و شیورچیان رادیو/ تلویزیونی وی در رسانه های ۲۴ ساعته ماهواره ای و ؛
- عموم دلالان جمهوری ننگین اسلامی در رادیو/تلویزیون های غلط انداز ماهواره ای در امریکاو؛
- عموم پیروان دروغین راه مصدق زیر عنوان جبهه ملی ایران در همان رادیو تلویزیون ها و ؛
- عموم ما ایرانیانی که هم اکنون از تجربه تاریخی و ارثیه پر ارزشی که مصدق بزرگ برایمان به جای گذاشت بهره نمی گیریم و گریبان خود و میهنمان را از بلای خانمانسوز دخالت بیگانه در امور داخلی کشورمان رها نمی کنیم « سنگ » است.

بلی، ما را پاداش « سنگ » است.

مصدق را نشناختیم، او را نخواستیم، رهایش کردیم

تا در زندان شاه و امریکا و انگلیس دق کند.

از راه و رسمش نه در گذشته حمایت

کردیم، نه راه او را امروز

پی می گیریم!

پاداش ما که او را نخواستیم و نمی خواهیم؛

احمدی نژاد است که فردا در سازمان ملل بجای نماینده قانونی ما می نشیند!

